

اکنون به موضوعی باز گردیم که در این کنفرانس‌ها با تقسیم «مدال‌های افتخار» به برخی از دولت‌های سرمایه و تف و لعنت به برخی دیگر آغاز شد. در شاخص حفاظت از آب و هوا در سال آینده که توسط دو موسسه (Germanwatch و New Climate) منتشر شده کشورهای نروژ، سوئد و بریتانیا به ترتیب در صدر جدول کشورهایی هستند که سیاست زیست محیطی خوبی را اجرا می‌کنند! ببینیم این در واقعیت چگونه است.

این در حالی است که سوئد طبق گزارش سازمان محافظت طبیعت این کشور سالانه به اندازه کل دی اکسید کربن تولید شده توسط خودروهای کوچک و شخصی موجود این کشور (حدود ۵ میلیون خودرو شخصی) همین مقدار گاز کربنیک را از مناطقی که درختان جنگلی آن بوسیله حوزه جنگل سرمایه اجتماعی آن قطع می‌شوند، به فضای زمین می‌فرستد و علاوه بر این مقدار زیادی گاز متان از این مناطق ساطع می‌شود. و این مقدار حدوداً ۱۳ درصد کل گاز کربنیک ساطع شده سالیانه این کشور است. علاوه بر این سوئد

سالانه مقدار زیادی پوده یا تورب (پوده یا تورب به توده متراکم قهوه‌ای تا سیاه‌رنگ خزه‌ها و گیاهان که به‌طور ناقص تجزیه شده‌اند گفته می‌شود. پوده معمولاً در زمین‌های بسیار مرطوب و در مناطق معتدل و سردسیر جهان به وجود می‌آید و به عنوان سوخت به کار می‌رود، پوده مرحله نخست تشکیل زغال سنگ است که از غلظت کربن زیادی برخوردار می‌باشد، این توده در مسیر تکامل خود علاوه بر گاز کربنیک گاز متان نیز تولید می‌کند، که به کشورهای همسایه نظیر فنلاند و نروژ و سایر کشورهای اروپایی صادر می‌کند. علیرغم این واقعیت که تشکیل جدید تورب بسیار سریعتر از سوخت‌های فسیلی مانند زغال سنگ، نفت و گاز طبیعی صورت می‌گیرد، اما در بسیاری از زمین‌ها دارای مقادیر زیادی کربن ذخیره شده است. در یک چشم انداز زمانی تا چند صد سال، مطالعات نشان می‌دهد که انتشار گازهای گلخانه‌ای از ذغال سنگ نارس (تورب) با انتشار گازهای فسیلی مطابقت دارد. بنابراین، احتراق ذغال سنگ نارس (تورب) بر خلاف سایر سوخت‌های فسیلی انتشار خالص دی اکسید کربن می‌دهد.

طبقه بندی تورب بین سیستم تولید برق سوئد، سیستم تجارت انتشار دی اکسید کربن اتحادیه اروپا و مذاکرات بین المللی آب و هوا در سازمان ملل متفاوت است. هم بر اساس سوئد و هم بر اساس پتل آب و هوای سازمان ملل، ذغال سنگ نارس به عنوان سوخت فسیلی طبقه بندی می شود. اما در قوانین سوئد جزو منابع انرژی تجدیدپذیر گنجانده شده است. طبق گفته آژانس انرژی سوئد، ذغال تورب در کلاس "سوخت های دیگر" قرار می گیرد که از مالیات بر انرژی و کربن معاف است. میزان درصد انرژی سالیانه سوئد، فنلاند و ایرلند از منبع تورب بالاترین در جهان است. فنلاند ۷ درصد، ایرلند ۵ درصد و سوئد ۰٫۷ درصد است اما فراموش نکنیم که سوئد تامین کننده مقدار زیادی از تورب مورد نیاز فنلاند، نروژ و هلند است. بین سال ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۰، عملکرد تورب کشت شده سوئد ۱۹٫۷ درصد افزایش یافته است و از ۱٫۶ به ۱٫۹ میلیون متر مکعب رسیده است. این بالاترین مقدار اندازه گیری شده برای تورب کشت شده از زمان شروع اندازه گیری است. افزایش تقاضا به ویژه در خارج از کشور وجود دارد که در آن صادرات تورب کشت شده ۱۳ درصد در مدت مشابه افزایش یافته است. این در حالی که سوئد از هیچ منبع دیگر سوخت های فسیلی برخوردار نیست اما صنایع انرژی و جنگل داری آن از پیشرفت های بالای بارآوری کار برخوردارند که سهم سود سرمایه اجتماعی این کشور از نرخ متوسط سود جهانی بالا می برد. استفاده از آفت کش های مختلف در جنگلداری سابقه ای طولانی

دارد. قبل از این که حوزه جنگلداری سوئد وارد فاز گسترده استفاده و بهره برداری صنعتی پیشرفته در این زمینه گردد یعنی حدود دهه های آخر ۱۸۰۰ کارگران این شرکت ها با اره و تبر در گروه های چند صد نفره به جان درختان عظیم الجثه جنگل ها می رفتند زیرا سرمایه داران این حوزه پیش ریز سرمایه بخوبی می دانستند که درخت های تنومند و قدیمی محتوی فیبرهای با کیفیت بالای جهت نجاری، ساختمان سازی چوبی، تولید خمیر کاغذ و غیره هستند.

همزمان با اولین ماشین های خودرو وسایل خودرویی که قادر بود در مناطق سخت جنگلی بارآوری کار را به درجه بالایی افزایش دهد ظهور کرد. در خلال جنگ امپریالیستی دوم نیاز سرمایه های اروپایی به چوب، ذغال و محصولات آن افزایشی نجومی یافت. در این جا بود که تولید انبوه محصولات جنگلی راه چاره بود و جنگل در خود موانعی جهت گسترش تکنیک قطع درختان، حمل آن ها به کارخانجات و حتی کاشت جوانه های جدید، داشت. یکی از این موانع رشد بی کنترل و بی انقطاع گیاهان برگدار، بوته ها و کل گیاهانی بود که مصرف سرمایه ای به شیوه حوزه جنگلداری سرمایه ای نداشتند. اولین چیزی که توده مردم جنگل امروز را با ذکر کلمه آفت کش مورد توجه قرار می دهد، علف کش های بحث برانگیز، فنوکسی اسیدها، در برابر گیاهان برگدار یا حشره کش، د.د.ت است در برابر حشرات با این حال، استفاده از آفت کش ها زودتر از اواخر دهه ۱۹۴۰ انجام شد و هدف نه کاملاً متفاوت

بلکه در حوزه دیگر از سرمایه داشت. باید به این نکته اشاره کرد که استفاده در مقیاس بزرگ تنها زمانی به وجود آمد که شرکت‌های جنگلداری مقیاس بزرگ نورلند (شمال سوئد) شروع به بازسازی جدی برای از بین بردن پوشش گیاهی با محلول کلرات انجام داد در اوایل دهه ۱۹۵۰ کردند. آزمایش‌های بیشتری روی سایر مواد زیست کش انجام شد. کارآزمایی‌های مستمر در مکان‌های دیگر سوئد در چند سال بعد با نتایج رضایت بخش از نظرگاه انستیتوهای کشاورزی و جنگلداری سرمایه، انجام شد. در اوایل سال ۱۹۴۴، تلاش‌هایی برای جلوگیری از تشکیل شاخه‌های کنده در غان با انواع مختلف مواد شیمیایی مانند سدیم آرسنیت، کلرات سدیم و پنتا کلروفنل سدیم (تمامی این مواد شیمیایی بسیار خطرناک برای انسان و جانورانند) انجام شد. آزمایشات ۱۹۴۸ با مشتقات هورمونی نظیر Tetraklordibenso-p-dioxin – TCDD methyl-4-chlorophe-) و (2,3,7,8 polychlo-) ((noxyacetic acid (MCPA (rinated biphenyl (PCB سپس در درجه اول فنوکسی اسیدها آغاز شد. از اوایل دهه ۵۰ میلادی، اینها با موفقیت برای کنترل علفهای هرز در کشاورزی مورد استفاده قرار گرفتند و به این ترتیب با سکوت کارگران سرمایه این حوزه قدمی تهاجمی تر علیه طبیعت به پیش برداشت. مزیت مشتقات هورمونی انتخابی بودن آنهاست، یعنی مشتقات مختلف روی گونه‌های مختلف تاثیر می‌گذارند. مشتقات

دی اکسین‌ها، هورمون رشد است، به این معنی که گیاه کوتاه را مورد حمله قرار می‌دهد وقتی در معرض مشتقات هورمونی قرار می‌گیرد، می‌میرد. یا برخی دیگر بطور مشخص درختان برگ‌دار و نه انواع کاج‌ها را هدف می‌گیرند و خشک می‌کنند. قوی‌ترین فنوکسی اسیدها انتخاب شدند و این روند تا سال ۱۹۷۷ ادامه یافت بطوری که در این تاریخ بیشتر جنگل‌های مورد بهره‌برداری این حوزه پیش‌ریز سرمایه بطور عمده جنگل انواع کاج شدند. نیاز به کنترل گیاهان برگ‌دار (انواع درخت توس، مانند غان، درخت گوشه، نام علمی خانواده توسکایان، راش و بلوط. بیشتر گونه‌های توس درختانی با اندازه کوچک یا متوسط با عمر کوتاه و بومی قسمت‌های معتدل و زیرقطبی نیم کره شمالی هستند)، محور اساسی این حوزه پیش‌ریز سرمایه بود.

سازمان صاحبان جنگل‌ها و شرکت‌های جنگلی در تاریخ نویسی خود این دوره را چنین توضیح می‌دهد «نیروی کار که جهت ریشه کن کردن و بریدن درخت‌ها و بوته‌های برگی بکار گرفته می‌شد بسیار زیاد بود و پر هزینه بودن آن مقرون به صرفه جنگلداری نبود. تقاضا برای این راه حل ارزان تر برای مشکلات آن چه که «جوان سازی جنگل» نام گرفته بود منجر به آزمایش‌هایی با اسپری هوایی شد که در سال ۱۹۵۰ در نزدیکی کرامفورس انجام شد. این آزمایش با سه آماده سازی مختلف در سه غلظت مختلف از هلیکوپتر انجام شد و نتیجه فراتر از انتظار بود. آزمایش‌های مربوط به سمپاشی هواپیما در سال بعد آغاز شد و

نتایج خوب آن همچنان ادامه داشت». شرکت‌های بزرگ جنگلداری اکنون علاقه جدی به این نوع کنترل درختان برگی و باصطلاح "علف‌های هرز" را آغاز کرده بودند و واکنش مردم دیری نپایید. توده مردم عناوینی چون «قتل توس در دالارنا»، «پرواز باعث مرگ هورمونی» دادند. اعتراضات توده مردم علیه پاکسازی جنگل‌ها از گیاهان بردار کم کم رشد کرد، به جمع شدن توده وسیعی در محل‌های جنگلی بالای سوئد انجامید، فعالان محیط زیست همراه با توده مردم از تورزی، فالون و گاوله، از جمله، به شدت با سمپاشی هوایی مخالفت کردند. آنها طرح سمپاشی را از زمین دنبال کردند، در طول شناسایی تماس رادیویی را حفظ کردند و فرودگاه‌ها و باندهای استتار شده را در جنگل پیدا کردند و در اعتراض در سال ۱۹۷۶ خود را در آنجا بر درختان زنجیر کردند. مقامات دولتی و شرکت‌های جنگلداری یک صدا می‌گفتند سودآور است و خطرناک نیست. گروه حفاظت از محیط زیست تورزی این وظیفه را بر عهده گرفت و پیشرو جنبش مدرن زیست محیطی شد. توده عموماً کارگری تورزی شروع به جمع آوری شهادت از مردم منطقه برای "گزارش سرطان" کرد. ۲۵ صفحه کامل نوشته شده در مورد چگونگی زندگی در مجاورت مناطق سمپاشی شده و کار با سم می‌گوید. شواهدی از حیوانات مرده و افرادی که بیمار شده اند وجود دارد. تنفر از بکار بردن چنین روشی بیشتر شد. هنگامی که زمان روزهای محیط زیست در تورزی در ژوئن ۱۹۷۷ فرا می‌رسد، جنبش

توده‌های کارگری برای محیط زیست، همراه با برخی نویسندگان، هنرپیشگان تئاتر و آن چه در سوئد معروف به کارگران فرهنگی (kultur arbete) است از استکهلم و اوپسالا، تحت شعار جنگل را نجات دهید شروع به رشد کرد و روزهای موفقیت آمیزی را تجربه کرد. ۶۰۰ نفر در جامعه ای با ۳۵۰۰ سکنه تظاهرات، سخنرانی و تئاتر بود. این اوج حرکت‌های کارگری علیه فجایع سرمایه بر محیط زیست بود و در سراسر اروپا نیز وضع در چند سال به همین منوال بود. با این وجود این اعتراضات هیچ گاه به یک حرکت اجتماعی - طبقاتی تبدیل نگردید و توده‌های کارگر سوئد، و نه هیچ کشور دیگری وارد پروسه مبارزه علیه سرمایه و فجایع آفریده آن نشدند، در هیچ کجای جهان سرمایه کارگران بخاطر محیط زیست خود و آینده فرزندان خود دست از کار نکشیدند و هیچگاه روند انباشت سرمایه، دولت‌های سرمایه داری را تهدید نکردند. در حواشی همین کنفرانس گلاسکو جوانان خانواده‌های کارگری در ابعاد چند ده هزار نفری دست به اعتراضات در شهرهای گلاسکو، لندن، پاریس و دیگر شهرهای اروپا زدند اما در هیچ کجا این نیز به یک حرکت توده ای کارگری علیه بنیاد فجایع محیط، سرمایه داری تبدیل نگردید و همانگونه که گرتا تونبری روز جمعه ۱۲ نوامبر (آخرین روز رسمی کوپ ۲۶) آن را "جشنواره دو هفته ای برای کسب و کار طبق معمول" نامید!! عملاً به سان گذشته صحنه گردان، برنامه ریز و همه کاره سرمایه داران، دولت‌های آن‌ها و انیستیتوهای مربوطه بودند.

یکبار دیگر سرمایه به کارگران جهان پیام داد که آقای زمین و زمان، روزی دهنده، تعیین کننده امروز و آینده بشر، نه تنها تخریب کننده محیط زیست، طبیعت، از بین برنده جانداران هم اوست، بلکه برنامه ریز و صحنه گردان شوهای هرچند وقت یکبار نیز، می باشد و تا هنگامی که کارگران همه هست و نیست خود را به او سپرده اند چنین خواهد بود.

از حدود دو دهه پیش این حوزه پیش ریز سرمایه در سوئد به روش دیگری از آفت کش های جدید استفاده می کند زیرا بخش عمده جنگل ها دیگر از گیاهان برگدار تهی شده و از کاج تشکیل شده اند، بسیار درهم هستند و تنها راه هایی که برای بریدن درختان و حمل الوار لازم اند انبوه درختان را برش می دهند. بار آوری کار در این حوزه سرمایه توسط سرمایه های پیش ریز شده سوئد

بسیار بالا رفته و غول های سرمایه ای این حوزه چنین تکنیک هایی را در کشورهای جنگل خیز جهان برای کشت و برداشت هر چه انبوه تر اضافه ارزش های کلانتر بکار می گیرند. کمباین هایی که در این زمینه بکار می روند نظیر همانی اند که در کشت صنعتی بکار می روند اما بسیار پیشرفته ترند و قابلیت های مختلفی در همان کمباین وجود دارد که نه تنها برش درخت، پوست کردن، برش الواری و بار کردن بر تریلی هایی با سه باربر، را انجام می دهند بلکه امروزه نسل جدیدی از این کمباین ها وارد عرصه تولید شده اند که علاوه بر وظایف فوق مانند خرچنگ ۸ پا دارند. هر چهار پا در طرفین زمین را شیار می کنند، در نوبت بعد نهال و نشاء می کارند و کود می دهند. به این ترتیب از نیروی کار بسیار کمی با بارآوری بسیار بالا بهره می برند.